

مقایسه ارتباط کودک با محله در محله‌های سنتی و جدید* مطالعه موردی: محله‌های ساغریسازان و گلزار شهر رشت

سید عبدالهادی دانشپور^۱، عبدالحمید نقره‌کار^{۲*}، علی اکبر سالاری پور^۳

^۱ دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
^۲ دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
^۳ پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۱۰

چکیده

وجود رابطه مثبت با محله تا حد زیادی به سلامت روانی و جسمانی ساکنان کمک می‌نماید. بنابراین، بسیاری به دنبال ارائه راه‌کارهایی برای احیای محله‌ها و ارتقای جایگاه آن‌ها در زندگی شهروندان بوده‌اند. رسیدن به این هدف در گرو شناختی عمیق از محتوی رابطه فرد با محله است. با توجه به اهمیت محله در شکل‌دهی پایه‌های هویت مکان در کودکان و همچنین تربیت نسل‌های آتی، مقاله حاضر به مقایسه رابطه کودکان با محله در محله‌های سنتی و جدید می‌پردازد تا از رهگذر آن نتایجی به منظور ارتقای جایگاه محله در شهر ایرانی-اسلامی حاصل گردد. مقاله حاضر از روش‌های کیفی برای دست‌یابی به هدف خود بهره می‌برد. برای این کار از شیوه‌های عکاسی توسط ساکنان برای بررسی رابطه کودک و محله در گلزار استفاده شده است. از کودکان خواسته شد عکس‌هایی از مکان‌ها، ویژگی‌ها، افراد و یا هر چیز مورد علاقه خود در محله تهیه نمایند. سپس در جلسه‌های مصاحبه عمیق انفرادی از آن‌ها خواسته شد راجع به هر عکس توضیحاتی ارائه دهند و زندگی خود و خانواده را در محله شرح دهند. در مورد محله ساغریسازان به علت این که هدف به دست آوردن تجربه‌های کودکان دیروز از محله‌شان بود با تعدادی از ساکنان ۵۰ تا ۷۰ ساله مصاحبه عمیق انجام گرفت و برای کمک به بازخوانی خاطرات از تکنیک ترسیم نقشه - روایت در مصاحبه عمیق استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد زندگی کودکان دیروز در محله‌های سنتی امری کاملاً اجتماعی بوده و کودک از سنین پایین با محیط اجتماعی و کالبدی محله درگیر می‌شدند که نتیجه آن عمیق‌ترین نوع دلبستگی و هویت محله‌ای است. اما کودکان در محله‌های جدیدی مانند گلزار تحت فشارهای شدیدی برای حضور در محله قرار دارند. محدودیت‌های شدید برای حضور کودکان در محله‌های جدید می‌تواند آسیب‌های جدی به رشد اجتماعی و فکری آن‌ها وارد نماید.

واژگان کلیدی: شهر ایرانی اسلامی، محله، کودکان، گلزار، ساغریسازان.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری علی اکبر سالاری پور با عنوان «بررسی رابطه فرد-محله و ابعاد تحول آن به منظور ارتقاء ویژگی‌های هویت ایرانی اسلامی محله در شهر رشت» به راهنمایی دکتر سیدعبدالهادی دانشپور و مهندس عبدالحمید نقره‌کار در دانشکده معماری شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران انجام شده است.

Comparison of children-neighborhood relations in traditional and modern neighborhoods; study of sagharisazan and golsar neighborhood in rasht city, iran*

Seyed Abdolhadi Daneshpour

Associate Prof., Iran University of Science and Technology(IUST), Tehran, Iran

Abdolhamid noghrekar**

Associate Prof., Iran University of Science and Technology(IUST), Tehran, Iran

** *noghre@iust.ac.ir*

Aliakbar Salaripour

Researcher Ph.D. in Urban Studies, Iran University of Science and Technology(IUST), Tehran, Iran

Abstract:

existence of a positive relation with one's neighborhood can lead to higher levels of psychological and physical health. Therefore, many researchers have been trying to suggest various solutions to revive this social unit in urban life. Achieving to this goal is dependent to attaining a deep knowledge about the process of person-neighborhood relations among different social groups. Due to the importance of neighborhoods in shaping place identity among children and fostering local identity among next generations, this paper is devoted to study and comparison of children- neighborhood relations in both traditional neighborhood of Sagharisazan and modern neighborhood of Golsar. Results of this kind of comparison can lead to proper solutions for enhancing Islamic identity in Iranian neighborhoods.

This research is qualitative one; Resident Employed Photography is applied to explore children- neighborhood relations in Golsar neighborhood. Children were described to take pictures from those places, individuals, and things in their neighborhood environment that trigger them to like their neighborhood. After taking pictures, they have provided descriptions about the reasons for capturing each photo in an individual in-depth interview. They also mentioned to different aspect of their living in neighborhood during the interview.

In case of Sagharisazan neighborhood, mapping narrative method is applied to help participants in the age range of 50 to 70 years to recall their memories and living experiences in the neighborhood from almost more than a half- century ago.

Results show that residence of yesterday's children in Sagharisazan traditional neighborhood had been a completely social affair. They were engaged with the social and physical environment of their neighborhood from early childhood stage. This engagement ultimately leads to deep attachment to and identification with the neighborhood. But, children of contemporary neighborhood of Golsar are encountered to different pressures and limits for being present at their neighborhood. These restrictions can lead to crucial damages to their social and mental growth.

Keywords: Iranian Islamic city, neighborhood, children, Golsar, Sagharisazan.

* This article is derived from doctoral dissertation of Aliakbar Salaripour, titled "Exploring person-neighborhood relationship to promote identical characteristics of Iranian-Islamic neighborhood in Rasht city", which is supervised by Seyed Abdolhadi Daneshpour and Abdolhamid noghrekar at the School of Architecture and Environmental Design of IUST.